

بررسی کلیه کتب تعلیمات اجتماعی و فارسی از منظر میزان توجه به هویت قومی دانش آموزان

سکینه زنگنه یوسف آبادی^۱، حانیه اسلامی^۲، سعیده نجفی^۳، آلاله محمدیان^۴

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، آموزگار آموزش و پرورش استان خوزستان - شهرستان رامهرمز، آموزشگاه زهره توکل (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد تربیت بدنی، آموزگار آموزش و پرورش استان یزد - شهرستان تفت، آموزشگاه زینب کبری

^۳ کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، آموزگار آموزش و پرورش استان تهران - شهر تهران / منطقه ۹، آموزشگاه هاجر ۲

^۴ کارشناس تربیت بدنی، آموزگار آموزش و پرورش استان تهران - شهر تهران / منطقه ۴، آموزشگاه استاد شهریار

چکیده

تنوع قومی در ایران به دلیل وجود مؤلفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به عنوان جزء لاینفک هویت ملی - یک فرصت قلمداد می‌شود. پس هرچه مؤلفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی کلیه کتب تعلیمات اجتماعی و فارسی از منظر میزان توجه به هویت قومی دانش‌آموزان طراحی و اجرا شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع تحلیل محتوای کمی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کتب درسی دوره‌ی ابتدایی می‌باشد که از این میان با نظر اساتید و متخصصان با روش نمونه‌گیری هدفمند کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی به عنوان نمونه انتخاب شدند. واحد تحلیل؛ جملات، فعالیت‌ها، تصاویر، پرسش و پاسخ‌ها و بیشتر بدانید موجود در متن کتب درسی فارسی و تعلیمات اجتماعی بود. در واحد ثبت؛ پس از مطالعه هر صفحه، مفاهیم مربوط به مؤلفه‌های مورد نظر، مشخص و در سياهه‌های مربوطه وارد می‌شد. نتایج پژوهش حاکی از این موضوع بود که در کتب درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی فقط به حیطه دانش هویت قومی توجه شده است و در ایجاد نگرش و علاقه و تعهد در دانش آموزان نسبت به فرهنگ قومی خودشان بسیار ضعیف عمل کرده است. کتب درسی مشترک به تنهایی پاسخگوی آموزش هویت قومی تمامی اقوام ایرانی نیست که در نتایج پژوهش نیز به خوبی این امر آشکار گردید. بنابراین بهترین اقدام برای کشورهای چند قومی مانند: ایران، حرکت از نظام آموزشی متمرکز به سمت نظام آموزی نیمه متمرکز یا غیر متمرکز است.

واژه‌های کلیدی: هویت قومی، کتب درسی، تحلیل محتوا

مقدمه:

با ورود به قرن بیست و یکم جهان شاهد تحولات متعدد و گسترده‌ای شد که ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تاثیر خود قرار داد و در این میان یکی از چالش برانگیزترین تغییرات دگرگونی در ابعاد شناختی و به طور دقیق‌تر هویتی مردمان روزگار ماست (میر فردی و ولی نژاد، ۱۳۹۶). هویت به طور عمده از دهه ۱۹۹۰ به عنوان مفهوم کلیدی در زمینه آموزش ظاهر شده است و در همه کشورها بخصوص کشورهای دارای هویت‌های متعدد مورد توجه قرار گرفت. (قاضی و شاه، ۲۰۱۹). هویت در ساده‌ترین تعریف به معنای ویژگی‌های متمایز کننده فرد از دیگری است. این ویژگی‌های خاص شامل: زبان، دین، نژاد، تاریخ، فرهنگ جغرافیا، معماری و... است. هم چنین هویت بیان‌کننده چگونگی رابطه فرد به مثابه جزء با جامعه به منزله کل است (ممبینی و همکاران، ۱۴۰۰). هویت تعریفی است که فرد یا گروه از خود یا درون گروه در مقایسه با «دیگری» یا «برون گروه» دارد. سه نوع کلی از هویت را می‌توان از هم تفکیک کرد: هویت انسانی، اجتماعی و فردی (گودیکانست، ۱۳۹۰). هویت انسانی فرد در مقایسه و تفکیک از سایر موجودات زنده معنا می‌یابد. هویت فردی احساسی است که فرد را به عنوان یک فرد از دیگران جدا می‌کند و در واقع درک یا تعریفی است که فرد از خود به عنوان یک موجود ویژه دارد. در روان شناسی و روانشناسی اجتماعی موضوع شخصیت به جای هویت فردی کاربرد تحلیلی می‌یابد. البته روان شناسان و روانشناسان اجتماعی «خود» یا شخصیت را صرفاً مجموعه‌ای از صفات فردی که در طول زمان و در همه مضامین یکسان باقی می‌ماند در نظر نمی‌گیرند. آنان اذعان دارند که مفهوم خود مضامین گسترده‌تر فرهنگ و تعلقات مربوط به گروه‌های اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. فرد در تعریف خود و برقراری مناسبات با دیگران همواره از این مضامین علاوه بر صفات فردی، خود تأثیر می‌گیرد (گودیکانست، ۱۳۹۰). هویت اجتماعی درکی از کیستی خود است که فرد در ارتباط با عضویتش در گروه‌های اجتماعی دگرگون به دست می‌آورد، مثل ایرانی بودن، لر بودن، خرم‌آبادی بودن، بسیجی بودن (ممبینی و همکاران، ۱۴۰۰). هویت اجتماعی به قول تاجفل^۱ آن بخش از خودشناسی فرد است که از دانش او از عضویت در یک گروه یا گروه‌های اجتماعی همراه با ارزش و اهمیت عاطفی تعلق به آن گروه سرچشمه می‌گیرد (تاجفل، ۱۹۹۸). فرد با توجه به اهمیتی که برای عضویت خود در یک گروه اجتماعی قائل است در تعریفی که از خود دارد تعلق به گروه اجتماعی مذکور را بیشتر دخالت می‌دهد. این تعریف در همه وضعیت های اجتماعی یکسان نیست و در برخی موقعیت ها ممکن است اهمیت این یا آن هویت گروهی مهمتر شود (گودیکانست، ۱۳۹۰).

یکی از انواع هویت اجتماعی هویت قومی^۲ است که در عصر مدرن همواره در ارتباط با هویت ملی مطرح می‌شود. مفهوم قومیت، مانند ملیت، مفهوم ساده و بی مناقشه‌ای نیست و غالباً وجه تمایز آن از ملیت به لحاظ جامعه شناختی چندان روشن نیست. قومیت نوعی دیدگاه درونی است که اهمیّتش برای فرد در زمان برقراری تعامل با دیگران آشکار می‌شود. در مواردی که فرد احساس می‌کند قومیت او در یک موقعیت اجتماعی کارساز است و منافعی را برای او تسهیل می‌کند، هویت قومی خود را آشکار می‌کند و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند آن را نهفته می‌گذارد. جامعه شناسان حتی گاه در چنین مضامینی از مفهوم قومیت نمادین سخن می‌گویند. مثلاً در آمریکا قومیت نمادین بیانگر تمایل به حفظ نوعی «حس قومی» است بی آنکه به پیوندها و رفتارهای اجتماعی قومی تعهد عمیق و ریشه داری ابراز شود (عبداله، ۱۳۹۵).

^۱ Identity^۲ Gudi Const^۳ Tajfel^۴ Ethnic Identity

فرهنگ اقوام که در وجود فرهنگ یک ملت قرار دارند، شیوه زندگی تبار خاصی است که وجه متفاوت زندگی قومی از اقوام دیگر شده است. برنامه های درسی و در راس آنها کتاب های درسی ابزاری مناسب برای القای هویت قومی در جریان تعلیم و تربیت هستند. هر نظامی منوط به نوع سیاست های فرهنگی و ایدئولوژیک خود، بر نوع خاصی از ابعاد هویت فرهنگی تاکید می کند. بی تردید یکی از مهمترین ابعاد هویتی مردم هر جامعه ای هویت قومی آنها است. نمایش درست و به موقع مشخصه های فرهنگی اقوام مختلف در کتاب های درسی جهت ایجاد وحدت ملی بین اقوام، می تواند احساس عدم جدایی و در حاشیه بودن قوم ها را از بین ببرد (عبداله فام، ۱۴۰۱).

ذکر این نکته لازم است که در ایران اقوام گوناگونی زندگی می کنند و با وجود آنکه یک قرن از تشکیل دولت ملی مدرن در ایران می گذرد انواع گویش ها و لهجه های محلی در سراسر این سرزمین به حیات خود ادامه می دهند. برخلاف دیدگاه های گذشته، امروزه وجود تنوع در فرهنگ ها و زبان های محلی و همزیستی مسالمت آمیز آنان در درون مرزهای یک کشور در تضاد با موجودیت و تداوم دولت ملت دیده نمی شود. چنین استدلال می شود که هویت امری یکپارچه و یک بعدی نیست و فرد در آن واحد ترکیبی از هویت های گوناگون را برای خود متصور است (عبداله، ۱۳۹۵).

آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای مهم در همه جوامع، نقشی خطیر، در جهت شکوفایی و پرورش استعدادها، توانایی ها و قابلیت های افراد هر جامعه به منظور تبدیل آنها به افرادی آگاه و مسئول ایفا می کند (علاقه بند، ۱۳۹۶). از سوی دیگر آموزش و پرورش یکی از اصلی ترین نهادهایی است که وظیفه اصلی آن درونی کردن ارزش ها و اصول حاکم بر جامعه است (منصوری و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش های متعدد مانند چن، لین و یانگ^۲ (۲۰۱۸) نشان می دهد که مطالب کتاب درسی تأثیر طولانی مدت بر انواع هویت دارد. موثرترین راه برای آموزش هویت در نظام های آموزشی متمرکز مانند نظام آموزشی ایران از طریق محتوای کتب درسی است که به صورت یکسان در اختیار همه دانش آموزان قرار می گیرد؛ بنابراین در این راستا برنامه درسی به عنوان اصلی ترین رکن نظام آموزش و پرورش در آموزش هویت، می تواند نقش کلیدی داشته باشد (منصوری و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی مسیر شکل گیری نواح هویت افراد در جوامع امروزی از خانه و مدرسه می گذرد و کودکان و نوجوانان زمان زیادی از دوران رشد و بالندگی خود را در آموزش و پرورش می گذرانند و طی آن نهاد تحت آموزش های متنوعی قرار می گیرند. آموزش و پرورش، به عنوان یکی از نهادهای مهم در همه جوامع، نقشی خطیر و دشوار در جهت شکوفایی و پرورش استعدادها، توانایی ها و قابلیت های افراد به منظور تبدیل آنها به افرادی آگاه مسئول تصمیم گیر و خلاق ایفا می کند این نظام در شکل گیری و ایجاد رفتار، منش، عادت و طرز فکر و تلقی انسانها و در نهایت سعادت و شقاوت آنها بسیار تأثیرگذار است (لقمانیان و خامسان، ۱۳۹۷). بنابراین آموزش و پرورش رسمی می تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل گیری هویت افراد تأثیر به سزایی داشته باشد و با تقویت نمودن انواع هویت نوجوانان، نسل آینده کشور را در مقابل هجمه رسانه ای غرب و دیگر فرهنگ ها ایمن سازد. نظام آموزشی با توجه به غایتی که برای شهروند مطلوب خود تعریف می کند، درصد ایجاد هویت مورد نظر خود برای افراد برمی آید و برنامه های آموزشی منابع درسی و معلمان از جمله ابزارهایی هستند که در این راستا مورد استفاده قرار می گیرند (معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۲). کوهن^۳ معتقد است مدرسه تنها مکانی برای یادگیری مهارت حساب کردن نیست، بلکه مکانی است برای یادگرفتن هویت قومی خود نیز است (میلر^۴ ۱۳۹۵). بر این اساس مدارس را باید یکی از مکان هایی دانست که به طور اعم و برنامه های آموزشی و درسی آنها به طور اخص باید آینه تمام

^۲ Chen, Lin, M & Yang

^۳ Cohen

^۴ Miller

نمایی از خصائص، قومی، تاریخی و فرهنگی آن جامعه و اغلب منعکس کننده ارزش ها آداب و سنن فرهنگی و یادآور تجربیات قومی و تاریخی آن مردم باشند (پروند، ۱۳۹۰) که در نظام آموزشی متمرکز کشور ایران، محتوای کتب درسی از نقش پررنگ تری برخوردار است و مفاهیم فرهنگ و هوین اغلب از طریق کتب درسی اجتماعی و ادبیات منقل می شود. دوره ابتدایی شامل موضوعات درسی مختلفی است که در پی تحقق توسعه مهارتهای ذهنی، نگرشی و رفتاری دانش آموزان هستند. برنامه درسی مطالعات اجتماعی نیز به عنوان یکی از این موضوعات دارای اهداف و فعالیتهایی است که می تواند با اجرای صحیح و درست مجریان برنامه درسی نقش با اهمیت تری در زندگی آنان داشته باشد مطالعات اجتماعی یک موضوع چند رشته ای در مدارس است که شامل مطالبی از طیف رشته های مختلف می شود، اما محدود به هیچ کدام یک از آنها نمی شود (براگر و ویت لوک، ۲۰۲۰). همچنین باید یادآور شد که معمولاً هنگام صحبت از برنامه درسی از سه نوع برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده سخن گفته میشود. از نظر پورتر (۱۹۸۸) آن چیزی که در کلاس درس تدریس میشود برنامه درسی اجرا شده نامیده میشود (فارسی و همکاران، ۱۳۹۸). در این پژوهش منظور ما از برنامه درسی اجرا شده این تعریف است.

در کل با توجه به توضیحات بالا و این که هر نظام آموزشی موظف به آموزش و پرورش هویت قومی در آن جامعه است و با توجه به متمرکز بودن نظام آموزشی و تنوع قومی در کشور ایران؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی کلیه کتب تعلیمات اجتماعی و فارسی از منظر بررسی میزان توجه به هویت قومی بود.

چهارچوب نظری هویت

نظریه ها، امکان انجام تحلیل هایی را در راستای شناخت، توصیف و تبیین پدیده ها به ما می دهند. البته این شناخت همواره کامل و جامع نیست چرا که هر نظریه ای از زاویه و رویکردی خاص به واقعیت می نگرد و به فراخور خود، بخشی از آن را به تصویر می کشد. برای توصیف و تبیین مفهوم هویت نیز به عنوان پدیده ای چندضلعی و چند بعدی نیاز به بهره گیری از دیدگاه و نظرات روانشناسان، روانشناسان اجتماعی و جامعه شناسان می باشد:

رویکرد روانشناسان

آنان هویت را امری فردی تلقی می نمایند و فرد را در کشف انتخاب و درونی نمودن هویت در خویش، مختار می دانند. اریکسون در این باره هویت را همانند گرایش گیاه به رویش می داند که در برابر هر مقاومتی به حرکت خود ادامه می دهد، زیرا هر کسی نیاز دارد تا بداند کیست؟ (هیلگارد، ۱۳۹۲). آن ها معتقدند که انسان از ابتدای زندگی اجتماعی، دارای یک هسته بنیادین یا یک هویت نسبی اولیه است که در جریان جامعه پذیری و کنش متقابل با دیگران هر روز هویت های جدیدی را اخلق می کند (ترنر؛ ۱۹۹۸). روانشناسانی از قبیل سلرز (۱۹۸۲)، مارسا (۱۹۸۷)، شلتون (۱۹۹۰)، راولی (۱۹۹۰)، چاوس (۱۹۹۲)، سنوا (۲۰۰۱)، بروژ نسکی (۲۰۰۵)، کرامر (۲۰۰۰) کامپلا (۲۰۱۱) و کرپلمن (۲۰۱۱) در چارچوب رشد شناختی نظریاتی در مورد دستیابی به هویت قومی در بین کودکان مطرح نموده اند و معتقدند کودکانی که شناخت مثبتی راجع به قومیت خود دارند، هویت قومی اشان زودتر تثبیت می شود (سیدمن؛ ۲۰۰۶).

روانشناسان اجتماعی

آنان رویکردی متفاوت به هویت دارند. در نگاه آنان "خود" اساساً یک ساختار است که در یک زمینه فرهنگی رخ می دهد (شوارتز و کورتینز؛ ۱۹۹۹) و از تجربه اجتماعی برخاسته است. در واقع خود همانند موجی است که از جریان و فراگرد

^۵ Turner

^۶ seidman

^۷ shwartz & kurtinez

اجتماعی به وجود می آید و همیشه نیز به عنوان جزئی از آن باقی می ماند (شیلز و پرسونز، ۱۹۹۹). این دیدگاه هویت فرد را در ارتباط با گروه و بازتاب نگرشی می داند که دیگران نسبت به وی دارند. حتی این نظریه پردازان تا آنجا پیش می روند که معتقدند پنداشت از خود یک شخص نیز بوسیله گروهی که شخص بدان تعیین هویت می شود شکل می گیرد. تاجفل در این باره با طرح مفهوم مقوله بندی بیان می دارد که بدون آگاهی از عضویت در گروه یا گروه های اجتماعی و اهمیت و ارزشی که فرد برای چنین عضویتی قائل است هویت جمعی نمی تواند شکل گیرد (روسنبرگ، ۱۹۸۸^۱). استرایکر^۲ (۲۰۰۰) نیز به موضوع مهم «برجستگی» اشاره نموده که در طی آن هویت ها در داخل "خود" براساس سلسله مراتب برجستگی سازماندهی می شوند. در این حالت هرچه برجستگی یک هویت نسبت به سایر هویت های تشکیل دهنده خود بیشتر باشد، احتمال انتخاب رفتاری مطابق با انتظارات متصل به آن هویت، بیشتر می شود (استرایکر، ۲۰۰۰).

جامعه شناسان

در مقابل دو رویکرد قبلی آنان بر این اصل تاکید دارند که برای مطالعه فرد و رفتارهای وی باید، رویکردی کلان اتخاذ نمود و به اجتماع و محیطی که فرد در آن قرار دارد پرداخت. دورکیم به عنوان جامعه شناسی، کلاسیک در این مورد بیان می دارد که مرزهای گروه قومی محدودیت هایی برای رفتار معنوی و اخلاقی افراد جامعه وضع می کنند و در این رابطه گروه قومی به عنوان قطب نمای اخلاقی رفتار فردی عمل می کند. (مالشویچ، ۱۳۹۰) پرسونز نیز به مانند دورکیم معتقد است که در جوامع سنتی، همبستگی قومی بی تردید مستلزم آن است که گروه قومی همچون پاسدار اخلاقی و معنوی، رفتار فردی و گروهی عمل کند (مالشویچ، ۱۳۹۰). وی به موازات برداشت تکاملی خود از توسعه اجتماعی، معتقد است که تقسیم کار پیچیده تر افزایش شتابان تحرک فضایی و اجتماعی و همچنین شهرنشینی باعث می شوند گروه های قومی کار ویژه خود را از دست بدهند و عمدتاً تبدیل به گروه های فرهنگی و نمادین شوند. از طرفداران رویکرد ساختار بندی معتقد است هویت اجتماعی با به کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی و برونی فهم و درک می شود. در سطح خرد ابتدا نوعی آگاهی و اعتماد به وجود چهره های اطمینان به عنوان شخصی حاصل میشود و بعدها رفته رفته ماهیت میان ذهنیتی زندگی اجتماعی و به تبع آن هویت اجتماعی شکل می گیرد. جنکینز^۳ (۱۳۸۸) نیز به مانند گیدنز معتقد است که هویت اجتماعی دو جانبه است؛ ما در دیالکتیک درونی - برونی بین خودپنداری و تصور عامه نه تنها خودمان را شناسایی میکنیم بلکه دیگران را نیز می شناسیم و توسط آنها نیز شناخته می شویم (مروت، ۱۳۹۶).

معلوف (۱۳۹۲) با تاسی از گیدنز و جنکینز هویت را امری ذاتی و از پیش تعیین شده نمی داند، بلکه امری اجتماعی و برساخته جامعه می داند که در آن "خود" فرد هم سهیم و البته تاثیر گذار می باشد. بوردیو^۴ (۱۹۸۶) هم در این چارچوب بیان می دارد که "عادت واره" طبقه ای که از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان های تعاملاتی گیرد، هویت های جمعی مشترک را پدید می آورد. در نگاه دیگر طرفداران مکتب نوسازی بیان می دارند که شروع فرایند نوسازی زمینه های کاهش اختلافات در نشانه های اجتماعی را فراهم می سازد. در نتیجه، همبستگی بیشتر شهری و یگانگی بیشتر فرهنگ که دولت ابراز می کند، جانشین قومیت و همبستگی های قومی می شود (مروت، ۱۳۹۶).

^۱parsons & shills

^۲Rosenberg

^۳Stryker

^۴Jinks

^۵Bourdieu

تبیین هویت قومی

نویسندگان مقالات عوامل متعددی را در خصوص چرایی برجسته شدن مسئله هویت قومی بیان کرده‌اند. فرا تحلیل نزدیک به ۵۰ مقاله نشان می‌دهد که به ترتیب عواملی مانند جهانی شدن و رسانه‌ها، سیاست‌های قومی دولت، رشد ناسیونالیسم قومی (در اثر استقلال کشورهای، مختلف فروپاشی شوروی و رشد استقلال طلبی در جهان)، احساس محرومیت نسبی به ویژه در بعد اقتصادی و تبعیض تحریک و بسیج توسط نخبگان و استفاده‌های ابزاری از آن واقعیت، وجود تفاوت‌های قومی (زبان، فرهنگ، مذهب) و تحولات اجتماعی و فرهنگی که در جهان رخ داده است مهمترین عواملی هستند که برای تبیین و چرایی برجسته شدن و تقویت هویت قومی در ایران ذکر شده‌اند (بهشتی و حقمرادی، ۱۳۹۶).

مؤلفه‌های هویت قومی

هر یک از مقالات چندین مؤلفه را به عنوان سازنده هویت قومی بیان داشته‌اند. عواملی مانند زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک، موسیقی و ادبیات، سرزمین، تاریخ و حافظه تاریخی، احساس تعلق قومی، خودآگاهی قومی، نمادها و اسطوره و پیشینه مشترک به عنوان مهمترین عوامل و مؤلفه‌های سازنده قومیت ذکر شده‌اند. درواقع تمام منابع و مؤلفه‌هایی که می‌توانند سازنده یک ملت باشند، به جز حق حاکمیت سیاسی و حاکمیت بر سرزمین، به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت قومی برشمرده شده‌اند (بهشتی و حقمرادی، ۱۳۹۶).

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع تحلیل محتوای کمی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی کتب درسی دوره‌ی ابتدایی می‌باشد که از این میان با نظر اساتید و متخصصان با روش نمونه‌گیری هدفمند کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی به عنوان نمونه انتخاب شدند. واحد تحلیل؛ جملات، فعالیت‌ها، تصاویر، پرسش و پاسخ‌ها و بیشتر بدانید موجود در متن کتب درسی فارسی و تعلیمات اجتماعی بود. در واحد ثبت؛ پس از مطالعه هر صفحه، مفاهیم مربوط به مؤلفه‌های مورد نظر، مشخص و در سیاهه‌های مربوطه وارد می‌شد.

ابزار پژوهش:

سیاهه ثبت داده‌ها: در پژوهش حاضر جهت ترسیم سیاهه ثبت داده‌ها جهت استفاده در تحلیل محتوا و مشخص نمودن مؤلفه‌های هویت قومی، به علت وجود پژوهش‌ها و مؤلفه‌های گوناگون و پراکندگی موضوع از روش سنتز پژوهی استفاده شد. در ابتدا مقالات مربوط به هویت قومی در سایت SID به تعداد ۲۳ مقاله، دانلود شد و سپس به استخراج مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌ها پرداخته شد. مؤلفه‌های اصلی شامل ۳ حیطة ۱- دانش ۲- نگرش و علاقه ۳- تعهد و تلاش دسته بندی شدند که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های اصلی و زیر مؤلفه‌های هویت قومی

مؤلفه‌های اصلی	دانش	نگرش و علاقه	تعهد و تلاش
زیر مؤلفه‌ها	زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، موسیقی و ادبیات، تاریخ، اساطیر، نمادها، مردمان، طرز پوشش، اخلاقیات و ...	سرزمین مشترک، حافظه تاریخی، احساس تعلق قومی، خودآگاهی قومی، پیشینه مشترک، دیدگاه مثبت و علاقمندی به رفتارها و رسوم قومی، احساس غرور و خوشحالی، افزایش اعتماد به نفس از بودن در یک قوم خاص،	شرکت در مراسمات و جشن‌ها، تلاش برای حفظ فرهنگ و اساطیر و نمادها، زنده نگه داشتن تاریخ و ادبیات و موسیقی قومی به هر روشی، شرکت در

رفتارها و رسوم قومی، تلاش به افزایش و هم افزایی برای خود و هم قومان	احترام به آداب و رسوم و پیشینه تاریخی و سرزمینی، ارزش قائل شدن به تمامی رسوم		
---	--	--	--

در نهایت این که به منظور اطمینان از ثبات اندازه گیری سیاهه ثبت داده ها پس از شمارش اولیه تعداد مؤلفه ها توسط پژوهشگران، این سیاهه در اختیار متخصص تحلیل محتوا قرار گرفت تا ۳۰ درصد کتاب درسی مطالعات اجتماعی را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. در موارد دارای ابهام از نظر متخصص سوم استفاده شد. برای میزان ضریب پایایی از روش پایایی ثبت فراوانی رفتار به صورت زیر استفاده شد.

$$\text{کوچکترین فراوانی ثبت شده} \times 100 = \frac{\text{بزرگترین فراوانی ثبت شده}}{\text{ضریب پایایی}}$$

شمارش انجام گرفته توسط دو ارزیاب (پژوهشگران تحقیق و متخصص تحلیل محتوا) از ۳۰٪ کتاب درسی تعلیمات اجتماعی پایه ششم (تا صفحه ۳۹) نشان می دهد که ارزیاب اول تعداد ۳۹ و ارزیاب دوم ۴۵ مورد را ثبت کرده اند که حاکی از ضریب پایایی ۰/۸۶ می باشد و پایایی ابزار پژوهش مورد تأیید واقع می شود.

یافته های پژوهش

سؤال اول:

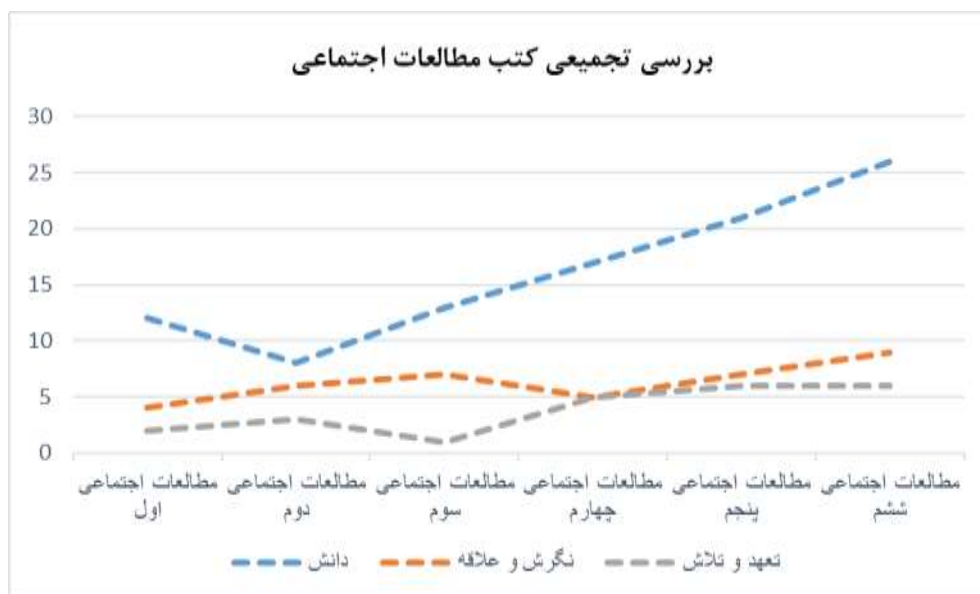
برای پاسخگویی به این سؤال که کتاب درسی تعلیمات اجتماعی دوره اول و دوم ابتدایی تا چه اندازه در آموزش و تقویت هویت قومی دانش آموزان موفق عمل کرده است به بررسی و تحلیل کلیه کتب تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی پرداختیم و واحدهای ثبت را در جدول ۲ زیر وارد نمودیم:

جدول ۲: بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت قومی در کتاب تعلیمات اجتماعی دوره اول و دوم ابتدایی

ردیف	کتاب	دانش	نگرش و علاقه	تعهد و تلاش
۱	تعلیمات اجتماعی اول	۱۲	۴	۲
۲	تعلیمات اجتماعی دوم	۸	۶	۳
۳	تعلیمات اجتماعی سوم	۱۳	۷	۱
۴	تعلیمات اجتماعی چهارم	۱۷	۵	۵
۵	تعلیمات اجتماعی پنجم	۲۱	۷	۶
۶	تعلیمات اجتماعی ششم	۲۶	۹	۶
	جمع	۹۷	۳۹	۲۳
	درصد	۶۱٪	۲۴٪	۱۵٪

با نگاهی به جدول ۲ سریعاً متوجه می شویم که کتب درسی تعلیمات اجتماعی فقط به حیطه دانش هویت قومی (با ۶۱ درصد) توجه کرده است و در ایجاد نگرش (۲۴ درصد) و علاقه و تعهد (۱۵ درصد) در دانش آموزان نسبت به فرهنگ قومی خودشان ضعیف عملکرد کرده است. جدول ۲ حاکی از آن است که در کتب تعلیمات اجتماعی به حیطه دانش با فراوانی ۹۷ مورد، بیشترین توجه و به حیطه تعهد و تلاش با ۲۳ مورد فراوانی، کمترین توجه شده است. همچنین در میان کتب درسی تعلیمات اجتماعی، کتاب تعلیمات اجتماعی ششم در حیطه دانش دارای بهترین عملکرد و کتاب تعلیمات اجتماعی دوم دارای بدترین

عملکرد در حیطه دانش است. در حیطه نگرش و علاقه، کتاب تعلیمات اجتماعی ششم با ۹ مورد فراوانی دارای بهترین عملکرد و کتاب تعلیمات اجتماعی اول ابتدایی دارای بدترین عملکرد است. همچنین در حیطه تعهد و تلاش، کتاب تعلیمات اجتماعی ششم و پنجم دارای بهترین عملکرد و کتاب تعلیمات اجتماعی سوم ابتدایی دارای بدترین عملکرد است. روند کلی نشان دهنده این واقعیت جالب است که در کتب تعلیمات اجتماعی با ارتقاء پایه به بحث هویت قومی دانش آموزان توجه بیشتری شده است، این در حالی است که باید آموزش هویت قومی را در پایه های پایین تر، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.



نمودار ۱: میزان توجه به ابعاد هویت قومی در کتب مطالعات اجتماعی

نمودار ۱ نیز به خوبی نمایانگر این واقعیت است که در کتب درسی مطالعات تنها به بعد دانش هویت قومی توجه شده است که میزان این توجه در متب درسی پایه های بالاتر بیشتر است.

سوال دوم:

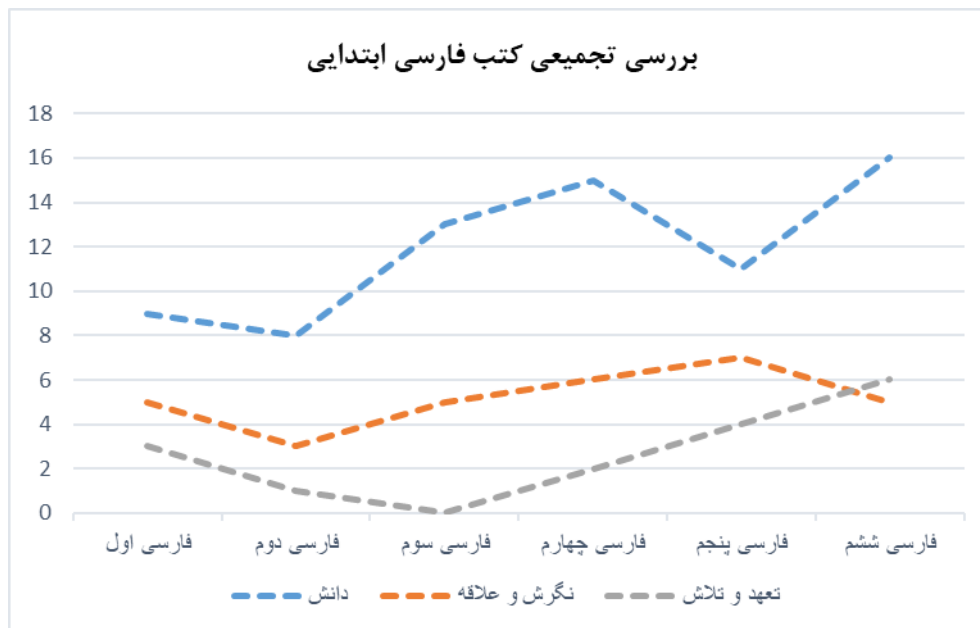
برای پاسخگویی به این سؤال که کتب درسی فارسی دوره اول و دوم ابتدایی تا چه اندازه در آموزش و تقویت هویت قومی دانش آموزان موفق عمل کرده است به بررسی و تحلیل کلیه کتب فارسی دوره ابتدایی پرداختیم و واحدهای ثبت را در جدول ۳ زیر وارد نمودیم:

جدول ۳: بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت قومی در کتاب فارسی دوره اول و دوم ابتدایی

ردیف	کتاب	دانش	نگرش و علاقه	تعهد و تلاش
۱	فارسی اول	۹	۵	۳
۲	فارسی دوم	۸	۳	۱
۳	فارسی سوم	۱۳	۵	۰
۴	فارسی چهارم	۱۵	۶	۲
۵	فارسی پنجم	۱۱	۷	۴
۶	فارسی ششم	۱۶	۵	۶

جمع	۷۲	۳۱	۱۵
درصد	۶۱٪	۲۶٪	۱۳٪

با نگاهی به جدول ۳ متوجه خواهیم شد که کتب فارسی دوره ابتدایی به مانند تعلیمات اجتماعی به حیطه دانش هویت قومی (با ۶۱ درصد) توجه کرده است و در ایجاد نگرش (۲۶ درصد) و علاقه و تعهد (۱۳ درصد) در دانش آموزان نسبت به فرهنگ قومی خودشان ضعیف عملکرده است. جدول ۲ حاکی از آن است که در کتب فارسی به حیطه دانش با فراوانی ۷۲ مورد، بیشترین توجه و به حیطه تعهد و تلاش با ۱۵ مورد فراوانی، کمترین توجه شده است. همچنین در میان کتب درسی فارسی، کتاب فارسی ششم در حیطه دانش دارای بهترین عملکرد و کتاب فارسی دوم دارای بدترین عملکرد در حیطه دانش است. در حیطه نگرش و علاقه، کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم با ۹ مورد فراوانی دارای بهترین عملکرد و کتاب تعلیمات اجتماعی دوم ابتدایی دارای بدترین عملکرد است. همچنین در حیطه تعهد و تلاش، کتاب تعلیمات اجتماعی ششم دارای بهترین عملکرد و کتاب تعلیمات اجتماعی سوم ابتدایی دارای بدترین عملکرد است.



نمودار ۱: میزان توجه به ابعاد هویت قومی در کتب مطالعات

نمودار ۲ نیز به خوبی نمایانگر این واقعیت است که در کتب درسی فارسی تنها به بعد دانش هویت قومی توجه شده است که میزان این توجه در متب درسی پایه های بالاتر بیشتر است.

نتیجه گیری:

ذکر این نکته لازم است که در ایران اقوام گوناگونی زندگی می کنند و با وجود آنکه یک قرن از تشکیل دولت ملی مدرن در ایران می گذرد انواع گویش ها و لهجه های محلی در سراسر این سرزمین به حیات خود ادامه می دهند. برخلاف دیدگاه های گذشته، امروزه وجود تنوع در فرهنگ ها و زبان های محلی و همزیستی مسالمت آمیز آنان در درون مرزهای یک کشور در تضاد با موجودیت و تداوم دولت ملت دیده نمی شود. چنین استدلال می شود که هویت امری یکپارچه و یک بعدی نیست و فرد در

آن واحد ترکیبی از هویت های گوناگون را برای خود متصور است (عبداله، ۱۳۹۵). با توجه به این موضوع که هویت قومی در تضاد با سایر هویت های دیگر نیست و باید در نظام های آموزشی بخصوص در نظام های آموزشی متمرکز که تنها مرجع درسی همه اقوام است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی کتب درسی در میزان توجه به ابعاد هویت قومی طراحی شد.

نتایج پژوهش حاکی از این موضوع بود که در کتب درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی فقط به حیطه دانش هویت قومی توجه شده است و در ایجاد نگرش و علاقه و تعهد در دانش آموزان نسبت به فرهنگ قومی خودشان بسیار ضعیف عمل کرده است که با نتایج پژوهش عبداله فام (۱۴۰۱)، عبداله (۱۳۹۵) معروفی و پناهی (۱۳۹۲) همخوانی دارد و نتایج پژوهش جعفرزاده پور (۱۳۹۳) در تضاد است. باید بیان نمود که «خودفراموشی» به معنی فراموش کردن هویت خود، امری خطرناک است که وجود آن در ادبیات سیاسی یک کشور، به ذلت و خواری مردم آن کشور می انجامد. اگر «قوم و ملتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند، که نتیجه ی آن، ذلت و بدبختی این قوم خواهد بود». اهمیت «هویت قومی» به قدری است که «با برخورداری از آن، هر کشور می تواند از همه ی امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت قومی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می آید و بسیاری از موفقیت ها برای آنها حاصل نخواهد شد؛ یعنی پاره ای از موفقیت ها در یک کشور، جز با احساس هویت جمعی به دست نخواهد آمد (رضایی، ۱۳۹۹). تنوع قومی در ایران - به دلیل وجود مؤلفه های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به عنوان جزء لاینفک هویت ملی - یک فرصت قلمداد می شود. پس هرچه مؤلفه های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با هم زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله ی تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان های مختلف، ولو از ملت های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است.

بنابراین هویت قومی امری بسیار مهم است و در نظام آموزشی متمرکز ایران باید به هویت قومی تمامی اقوام توجه شود و در کنار متب درسی نیز باید منابع تکمیلی در اختیار اقوام مختلف قرار گیرد زیرا کتب درسی مشترک به تنهایی پاسخگوی آموزش هویت قومی تمامی اقوام ایرانی نیست که در نتایج پژوهش نیز به خوبی این امر آشکار گردید. بنابراین بهترین اقدام برای کشورهای چند قومی مانند: ایران، حرکت از نظام آموزشی متمرکز به سمت نظام آموزی نیمه متمرکز یا غیر متمرکز است.

منابع:

۱. عبداله فام، رحیم (۱۴۰۱). بررسی جایگاه قومیت در برنامه درسی پایه چهارم ابتدایی. چهاردهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: ایران.
۲. جعفرزاده پور، فروزنده؛ حیدری، حسین؛ شاوردی، تهمینه؛ اسکندریان، غلامرضا و چیت ساز، محمدرضا (۱۳۹۳). پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی. تهران: مراکز جهاد دانشگاهی.
۳. مالشوی، سیشینا (۱۳۹۲). جامعه شناسی قومیت. ترجمه، پرویز دلیرپور، تهران: انتشارات مآزه.
۴. جینکز، ریچارد (۱۳۸۸). هویت اجتماعی. ترجمه، تورج یاراحمدی، تهران: نشرنی.
۵. معلوف، امین (۱۳۹۲). هویت های مرگبار. تهران: نشرنی.
۶. هیلگارد، ای، اچ (۱۳۹۲). زمینه روان شناسی. ترجمه: محمدنقی براهنی و دیگران. تهران: انتشارات رشد.

۷. معروفی، یحیی و پناهی توانا، صادق (۱۳۹۲). کتاب های ادبیات فارسی دوره متوسطه و بازنمایی مولفه های هویت ملی (دیدگاه دبیران). مطالعات ملی، ۱۴(۵۵)، ۱۰۷-۱۲۲.
۸. گودیکانست، ویلیام (۱۳۹۰). پیوند تفاوت ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی. ترجمه، علی کریمی مله و مسعود هاشمی، تهران: تمدن ایرانی.
۹. بهشتی، صمد و حقمرادی، محمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تأکید بر نقش رسانه. مسائل اجتماعی ایران، ۸ (۲)، ۲۷-۵.
۱۰. پروند، محمدحسن (۱۳۸۰). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران: نشر شیوه.
۱۱. علاقه بند، علی (۱۳۹۶). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات بعثت.
۱۲. میلر، جی. پی. (۱۳۹۵). نظریه های برنامه درسی، (ترجمه محمود مهرمحمدی). تهران: نشر سمت.
۱۳. فاطمه، فارسی؛ کاظمی، شبنم و خروشی، پوران (۱۳۹۸). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده دانشگاه فرهنگیان در ایجاد شایستگی های مورد انتظار معلمان (مطالعه موردی: بررسی دیدگاه اولین دانش آموختگان رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اصفهان). دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲(۱۶)، ۷۳-۹۰.
۱۴. منصوری، سیروس؛ عابدینی بلترک، میمنت؛ پنجه بند، سیدیوسف و بانصاف، اسماعیل. (۱۳۹۵). تأثیر برنامه درسی بر شکل گیری هویت ملی (مطالعه های از نوع فراتحلیل). جامعه شناسی آموزش و پرورش، ۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
۱۵. میرفردی، اصغر و ولی نژاد، عبدالله (۱۳۹۶). نقش تفاوت های جنسیتی در ابعاد هویت ملی: مطالعه موردی دانشجویان. فصلنامه ملی، ۱۸(۱)، ۱-۲۱.
۱۶. مومینی، محمدعلی؛ ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید و زهیری علی رضا (۱۴۰۰). هویت ملی در جامعه ایران و چالش ها و مشکلات آن: مرور نظام مند مقاله های علمی-پژوهشی کمی (۱۳۷۷-۱۳۹۸). پژوهش های جامعه شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)، ۱۰(۱۹)، ۱۷۷-۱۹۹.
۱۷. مروت، برزو (۱۳۹۶). نسبت هویت قومی و ملی در نزد جوانان استان البرز. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۶(۳۷)، ۲۱-۴۱.
۱۸. عبدالله، عبدالمطلب. (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه های تهران. پژوهش های راهبردی سیاست، ۵(۱۶)، ۳۹-۶۷.
۱۹. Brugar, K. A., & Whitlock, A. M. (2020). Explicit and Implicit Social Studies: Exploring the Integration of Social Studies Experiences in Two Elementary Classrooms. *Canadian Social Studies*, 51(1), 2-21.
۲۰. Qazi, M. H., & Shah, S. (2019). Discursive construction of Pakistan's national identity through curriculum textbook discourses in a Pakistani school in Dubai, the United Arab Emirates. *British Educational Research Journal*, 45(2), 275-297.
۲۱. Turner. J. H. (1998). The structure of sociological theory. Sixth published.
۲۲. Seidman. E., & sabine, E. (2006). "The Development of ethnic identity during Adolescence-the role of national identity representation in the relation between in – group identification and out group derogation: ethenic versus civic representation". Joke meeus .bart durie.
۲۳. Rosenberg, M. (1981). "The self-concept: social product and social force". Published in social psychology, edited by Rosenberg and Turner, basic Booked.

۲۴. Stryker, S. H. (2000). "The post present and future of an identity theory". Social psychology quarterly.
۲۵. Tajfel, H. (1985), "The Social Identity Theory of Intergroup Behaviors", in S. Worchel and W.G. Austin (eds.), Psychology of Intergroup Relations, 2nd edition, Chicago: Nelson-Hall.